



۲۰۱۶/۱۲/۱۶

ضیاء نظام

دریاهای بین المللی افغانستان و ضرورت اداره و مدیریت سالم آن

از جمله دریا هایی که در هر گوشه و کنار کشور ما جریان دارند، چندی از آن ها عمدتاً مهم بوده و با کشورهای همسایه مشترک می باشند و به همین سبب دارای حیثیت بین المللی بوده از اهمیت خاصی برخوردارند. باید گفت که کنوانسیون ملل متحد در مورد دریاهای بین المللی که به مقاصد غیر دریانوردی به تاریخ ۱۲ می ۱۹۹۷ تصویب شده، مهمترین سند حقوقی برای تنظیم و مدیریت آب ها در این زمینه شناخته می شود. ماده دوم این کنوانسیون در مورد اصطلاح دریای بین المللی به متن ذیل مشعر است: "اصطلاح دریای بین المللی به دریایی گفته می شود که: قسمت هایی از آن در کشورهای مختلف واقع گردیده باشد." لذا نظر به این تعریف دریاهای عمده افغانستان که به خارج از کشور جریان دارند عبارت اند از:

دریای آمو، دریای هلمند، دریای کابل و هریرود که در ذیل به معرفی این دریاها مختصراً پرداخته می شود:

دریای آمو:

دریای آمو که یونانی ها آن را به اسم آکسوس و عرب ها به نام جیحون یاد کرده اند امروز در فاصله بیشتر از ۱۲۰۰ کیلو متر حد فاصل سیاسی را بین افغانستان و چند کشور آسیایی میانه تشکیل داده است. این دریا از پامیر خورد سرچشمه گرفته و در حصه علیای خود به نام (آب واخان) و بعداً که آقکو و آب پنج به آن فرو ریخته اسم آب دریا پنج را به خود می گیرد. این دریا در بین کوه های مرتفع پامیر، واخان، جرم، درواز و فیض آباد تنگناهای عمیقی ساخته بعد از آن سمت حرکت جنوب شرقی را اتخاذ کرده تا محلی که دریای کوچک به آن وصل می شود، و از خم آب (خمیاب) کاملاً خاک افغانی را ترک می گوید و به طرف شمال و شمال غرب رفته بعد از عبور از ریگستان های ازبکستان به جهیل ارال می ریزد. مهم ترین معاونین آن در خاک افغانستان دریای کوچک دریای کندز، آب بلخ و آب سفید می باشد. معاونین آمو از طرف کشورهای آسیای میانه عبارت اند از قزل سو، و خش یا سرخاب، کافرنهان، سرخان و زرافشان. آمو مهمترین دریا آسیای مرکزی بوده مقدار آب آن بیشتر از سیر دریا است و به طول ۲۴۰۰ کیلو متر در کشورهای افغانستان، تاجکستان و ازبکستان از پامیر الی بحیره ارال جریان دارد و سرچشمه های اولی آن جهیل زرقول

در تاجکستان، قزل سو در قرغزستان که هر دو در ارتفاعات پامیر موقعیت دارند می باشد. دریای پنج معاون مهم آن است که در سرحد افغانستان و تاجکستان جاری است.

آمو بزرگترین دریای افغانستان نیز می باشد که ظرفیت آب آن به ۲۲ میلیون متر مکعب می رسد. بعضی قسمت های آن قابل کشتی رانی است، دو بندر مهم شمالی افغانستان شیرخان بندر و حیرتان در کنار همین دریا موقعیت دارند. از آب این دریا کشورهای همسایه افغانستان یعنی ازبکستان، ترکمنستان و تاجکستان جهت آبیاری زراعت استفاده می کنند که در ازبکستان ۲،۳ میلیون هکتار در ترکمنستان ۱،۷ میلیون هکتار و در تاجکستان ۰،۵ میلیون هکتار زمین از طریق این دریا سیر آب می شود.

متأسفانه که افغانستان ازین دریا استفاده ناچیز می کند و فقط ۱،۲ میلیون هکتار زمین از آن آبیاری می شود، در حالیکه شرایط جغرافیایی آن طوری است که می شود از آن بهترین استفاده به عمل آید و سطح زندگی مردم اطراف آن بهبود یابد تا از فقر و بیچارگی نجات یابند.

باید یادآور شد وزیر امور خارجه انگلستان لاردر گرانویل و وزیر امور خارجه روسیه تزاری پرنس گرونوخوف جهت تعیین خط سرحدی شمال افغانستان و روسیه تزاری توظیف گردیده و در نتیجه در سال ۱۸۷۳م سرحد شمال افغانستان یعنی خط السیر دریای آمو از جهیل ویکتوریا (زورکول) - (زری قل) یا زرکول تا خم آب به نام خط امیر شیرعلی مسمی شد که ۱۸۰۰ کیلو متر طول دارد.

و قتیکه در سال ۱۹۱۷م روسیه تزاری سقوط کرد و دولت جدید سوسیالیستی اتحاد شوروی بر سر اقتدار آمد، آزادی و تمامیت ارضی افغانستان را به رسمیت شناختند. به تاریخ ۲۸ فبروری ۱۹۲۱م (۱۰ حوت ۱۲۹۹) معاهده دوستی بین افغانستان و اتحاد شوروی عقد شد که در ماده نهم آن ذکر شده بود: "حکومت اتحاد شوروی قبول می کند زمین های واقع منطقه سرحدی را که در قرن ۱۹ متعلق به افغانستان بود، دوباره به افغانستان تسلیم کند." بعداً به تاریخ ۲۲ جوزای ۱۳۲۵ مطابق ۱۳ جون ۱۹۴۶ بین نماینده اتحاد شوروی مولوتوف وزیر امور خارجه آن کشور و سلطان احمد شیرزوی سفیر افغانستان در آنجا پیرامون استفاده مشترک از دریای آمو موافقه کردند تا خط وسط دریای آمو به حیث خط سرحدی افغانستان و اتحاد شوروی آن وقت شناخته شود و جزیره درقذ جزء خاک افغانی قبول شد و شورای ملی و مجلس عیان همان وقت افغانستان این فیصله را تصویب کردند. اما بعد از استقلال کشورهای آسیای میانه، ایجاب می نماید تا در زمینه با کشور های ذینفع توافقات صورت گرفته و آب دریای متذکره با شکل منصفانه و مؤثر استفاده به عمل آید.

دریای هلمند:

هلمند دومین دریای بزرگ افغانستان است. این دریا از کوه های هزاره جات در نزدیکی سرچشمه دریای کابل به ارتفاع ۳۸۰۰ متر منبع گرفته به جانب غرب و جنوب غرب جریان داشته، طول آن از منبع تا مصب تقریباً یک هزار کیلو متر است. یک حصه بزرگ آن در کوهسار هزاره جات واقع است، به طرف زمینداور سرازیر می شود و در این ناحیه کوهستانی چندین معاونین کوچکی که از آب برف ها سرچشمه می گیرد به آن ملحق می شود. همینکه هلمند از گرشک می گذرد تقریباً در فاصله پنجاه کیلو متری شهر گرشک دریای ارغنداب که بزرگترین معاون هلمند است به آن ملحق می شود. هلمند بعد از اتصال دریای ارغنداب حرکت خود را از شمال شرق و جنوب غرب تغییر داده، تقریباً در خط مستقیمی به طرف جنوب جاری می شود؛ اما بعد از بندر میانه

دفعتاً به جانب مغرب جریان یافته، بعد از این نقطه در قسمتی که دریا مستقیماً به طرف دشت هامون هلمند جاری می گردد، پس از بند سیستان در منطقه دلتای امروزی خود داخل می شود. هلمند بعد از سیستان آب بین المللی شده، آب آن بین افغانستان و ایران مشترک می باشد. اراضی و ساحه این دریا ۲۶۴۹ کیلو متر را احتواء می کند یعنی به مقایسه سایر دریاها افغانستان بیشترین استفاده از آن صورت می گیرد. خلاصه سوابق بین المللی دریای هلمند از این قرار است:

اول- حکمیت گولد سمت:

حکمیت گولد سمت که به تاریخ ۱۹ اگست ۱۸۷۲ صادر شده است اساساً، راجع به تعیین سرحد می باشد و در آن محض یک فقره به قرار آتی آمده است:

"برعلاوه باید خاطر نشان شود که هر دو طرف با احداث تأسیساتی که سبب تقلیل مقدار آب لازمه در سواحل هلمند گردد، اقدام نه نمایند." چون در آن زمان ساحه تحت زراعت در افغانستان محدود بود، پس افغانستان از یک مقدار کم آب استفاده کرده حصه اعظمی آن به ایران سرا زیر می شد که این مقدار بیش از نصف مجموع آب هلمند در بند کمال خان بود.

دوم - حکمیت مکماهان:

حکمیت مکماهان مربوط قضیه آب رود هلمند به تاریخ ۱۰ اپریل ۱۹۰۵ در عهد سلطنت امیر حبیب الله خان صادر گردیده است. در بند سوم این حکمیت گفته شده است:

"بنابراین ایران مستحق بر یک ثلث مجموع آب رودخانه هلمند بوده که این مقدار از نقطه ای محاسبه می گردد که از آن برداشت آب برای آبیاری زمین های هر دو کنار واقع در بند کمال خان، یا پایین تر از آن موقعیت دارد."

به اساس اندازه گیری که مکماهان در آن زمان کرده است مقدار تثبیت شده فوق یک ثلث بالغ بر اوسط ۸۳ نیم متر مکعب در ثانیه در سال نورمال آب می گردد. این قرار داد توافق هیچ یک از طرفین را تأمین نه نمود، و موضوع حل نگردید.

سوم - قرارداد تقسیم آب هلمند منعقد، ۱۳۱۶:

در این سال باقرکامی وزیر امور خارجه ایران به کابل مسافرت نموده، و توافقنامه تقسیم آب دریای هلمند را با مرحوم علی محمد خان وزیر امور خارجه وقت افغانستان امضاء کرده که به اساس این سند، ۵۰ فیصد آب دریای هلمند به ایران واگذار شده و این موافقتنامه با قراردادی که سی سال قبل هیأت انگلیسی تعیین نموده است و مقدار آبی که به ایران تعلق می گرفت، فقط ثلث آب هلمند بود، تفاوت زیاد داشت. این قرارداد که به تاریخ ۱۳۱۶ در کابل به امضاء رسید ماده اول آن مشعر است:

"دولتین افغانستان و ایران موافقت می نمایند که همه ساله هر مقدار آب رودخانه هلمند که به بند کمال خان می رسد از بند کمال خان به بعد، بین افغانستان و ایران بالمناصفه تقسیم شود.

موافقتنامه متذکره در مجلس وزرای افغانستان تصویب گردید اما شورای ملی آن را تصویب نکرد، لذا موضوع بار دیگر حل نگردید.

چهارم - معاهده ۲۲ حوت ۱۳۵۱ یا ۱۳۲۲ مارچ ۱۹۷۳:

این موافقت نامه که در زمان صدارت مرحوم شهید محمد موسی شفیق کاموی عقد شده بود، مطابق مندرجات و دو پروتوکول ضمیمه آن در یک سال عادی سهم ایران ۲۶ متر مکعب آب در ثانیه یا سالانه ۸۵۰ میلیون متر مکعب آب تعیین گردیده است، یعنی کمتر از ۲۰ فی صد آب دریا بوده و همچنان هر مقدار آب اضافی که به داخل خاک ایران گردد، ایران مکلف است قیمت/بهای آن را تأدیه کند.

حوادثی چون کودتا های بیست و شش سرطان ۱۹۷۳ و هفت ثور ۱۹۷۸ در افغانستان، انقلاب اسلامی در ایران، داخل شدن قوای نظامی اتحاد شوروی سابق به افغانستان، جنگ های خونین داخلی و حکومت طالبان همه و همه روی تطبیق درست این موافقت نامه موانعی ایجاد کرده و باعث بروز یک فاجعه محیط زیستی در ساحه دریاچه هامون که از آب هلمند تغذیه می شد؛ گردیده و قسماً به یک دریای خشک تبدیل شده است. البته خشک سالی های متواتر چند سال اخیر مخصوصاً سال های ۱۹۹۸ الی ۲۰۰۲ یکی از عوامل عمده روند کم آبی و خشکی این دریاچه می باشد. چنانچه تعداد زیاد مردم منطقه آنجا را ترک گفته و حیوانات و حتی پرندگان منطقه نیز ناپدید گردیده اند.

اخیراً یک یادداشت تفاهم بین هر دو کشور جهت تأکید اجرای موافقت نامه ۱۹۷۳ و برگزاری جلسات منظم کمیساران دریای هلمند و همچنان همکاری هیأت احیای دریاچه هامون امضاء گردیده است.

دریای کابل:

از نواحی کوتل اونی به ارتفاع بیش از ۳۵۰۰ متر منبع می گیرد. دریاچه نرخ و دریاچه سنگلاخ معاونین بزرگ قسمت علیای دریای کابل می باشند و در منطقه میدان سفلی به دریای کابل وصل می شود. طول دریای کابل در حدود ۷۰۰ کیلو متر است که ۴۶۰ کیلو متر آن در داخل افغانستان، و متباقی در خاک پاکستان جریان دارد. دریاهایی که معاونین دریای کابل اند عبارت از دریای لوگر، دریای پنجشیر، علی شینگ، علینگار لغمان و دریای کونر می باشند. ظرفیت آب دریای کابل به ۲۰ بیلیون متر مکعب در سال می رسد و اراضی را که آبیاری می کند به ۷۷ میلیون کیلو متر مربع می رسد. مهمترین دریایی که به آن می ریزد دریای کونر است که این دریا از جباتنه چترال سرچشمه می گیرد. دریای کابل زمین های زیادی را مخصوصاً در ولایات شرقی کشور آبیاری و چندین بند در مسیر آن اعمار گردیده که عبارت است از بند درونته، بند ماهییر، بند سروبی، بند نغلو و بند کانال جلال آباد و همچنان در آنسوی خط دیورند در نزدیکی پشاور بند ورسک اعمار شده است.

این دریا از ۱۱ ولایت عبور می کند و مقدار آب آن از ۳۳ الی ۴۶۰ متر مکعب در ثانیه بوده و در نزدیک خط دیورند پاکستان تا ۸۰۰ متر مکعب می رسد. دریای کابل در حصه علیای خود که به شهر کابل منتهی می گردد شکل سیلاب مهمی را دارد اما در موسم گرما آب آن بسیار کم می شود و آنهم برای آبیاری مزارع صرف می گردد و در فصل تابستان حصه علیای دریای کابل رو به خشکی می باشد لیکن پس از شهر کابل در موضعی که دریای لوگر به آن محلق می شود دوباره آب پیدا می کند و بعد از آن آب اش کم نمی شود زیرا دریای پنجشیر، دریای لغمان و دریای کونر معاونین دریای کابل در تمام سال آب کافی دارند. مشکل بزرگ این دریا عدم همکاری بین کشورهای افغانستان و پاکستان و نبود موافقت نامه ها بین آن ها است که بدون مشوره یکدیگر در

مناطق خود بندهایی اعمار نموده و از آب دریا بدون کدام پلان و پروگرام مؤثر استفاده می کنند که باعث از دیدار مشکلات بین دو کشور می گردد.

دریای هریرود:

هریرود ۱۱۲۴ کیلو متر طول داشته که ۵۶۰ کیلو متر آن به داخل افغانستان جریان دارد. هریرود از کوه بابا در مناطق مرکزی کشور سرچشمه می گیرد به طوریکه دو دریاچه از اتصال خود ابتدای هریرود را تشکیل می دهند که به نام های (سنگل آب) و (سر جنگل) یاد شده در ارتفاع تقریباً چهار هزار متر از دامنه غربی کوه بابا سرچشمه گرفته و در بین سلسله مرتفع سیاه کوه و سفید کوه که از شمال و جنوب مانند دیوار بزرگی دره را احاطه نموده است، جریان یافته جانب غرب سیر می نماید. در جمله معاونان آن دریای تگا و ایشان از همه بزرگتر و تقریباً به امتداد دو صد کیلو متر به صورت موازی با آن جریان داشته در غرب (اوبه) به هریرود می ریزد و خط السیر هریرود از (کوشان) تا اسلام قلعه دفعتاً به طرف شمال جاری گردیده به اراضی پست و ریگی ترکمنستان ادامه می یابد. لیکن بین قریه کوشان و قریه تومان آغا که به طرف چپ هریرود در خاک ایران واقع است و قریه ذوالفقار که در خاک افغانی موقعیت دارد و مسیر دریا حد فاصل سیاسی را بین اراضی افغانی و ایرانی تشکیل نموده بعد از آنکه از پل خاتون عبور می نماید؛ در بین سرخس ایران و سرخس ترکمنستان جریان یافته بالاخره در منطقه دلتای خود در ریگزارهای ترکمنستان خشک می شود. اخیراً کشورهای ایران و ترکمنستان بند یا ذخیره گاه بزرگ جهت آبیاری و جلوگیری از ضیاع آب اعمار نموده اند.

قابل تذکر است که صرف این چهار دریا تنها دریاهایی نیستند که با کشورهای همسایه مشترک اند بلکه دریاهای دیگری هم وجود دارند که به کشورهای همسایه می ریزند. اما اهمیت موضوع در اداره و مدیریت سالم منابع آبی کشور است که باید در مورد آن امور، حتی الامکان با ممالک مربوطه تفاهم صورت گیرد و قرارداد های مؤثر در زمینه عقد شود.

همه متخصصین امور مربوطه به این باور اند که در آینده نزدیک مشکل بزرگ منطقه، مشکل آب خواهد بود که علت عمده آن گرم شدن کره زمین و افزایش سرسام آور نفوس منطقه می باشد که ممکن تا به سی سال آینده نفوس کشورهای منطقه به دو چند برسد و ضرورت به آب بیشتر شود. همین حالا تغییر اقلیم و استفاده بیشتر از آب فاجعه به بار آورده است چنانچه جهیل ارال که رود آمو به آن می ریزد و هامون هلمند که دریای هلمند به آن جریان می یابد، در حال خشک شدن است.

انستیتیوت مرکز مطالعات منابع جهانی پیشبینی کرده از جمله ۱۶۷ کشور که مورد تحقیق قرار گرفته در حدود ۳۳ کشور تا سال ۲۰۴۰ به قلت شدید آب مواجه خواهند بود که در ردیف این ۳۳ کشور تقریباً تمام کشورهای منطقه ما را در بر خواهد گرفت. انستیتیوت متذکره در سرویی که در سال ۲۰۱۰ انجام داده بیانگر آن است که ده کشور جهان را بیشتر خطر کاهش آب (کم آبی) تهدید می کند و از آن جمله، سه کشور همسایه افغانستان یعنی ازبکستان، ترکمنستان و پاکستان را هم احتوا خواهد کرد. تحقیق کنندگان به این باور اند که باید علاج حادثه قبل از وقوع آن سنجیده شود یعنی با مدیریت و اداره سالم و اقدامات لازم می توان تا اندازه زیاد جلو مشکل کم آبی را در آینده گرفت.

طوری که در فوق تذکر یافت دریا‌هایی که دارای موقف بین المللی اند برای مدیریت بهتر آن همکاری های بین المللی ضرور و حتمی است و قسمیکه مطالعه شده از جمله چهار دریای بین المللی کشور صرف در مورد یکی از آن ها موافقت نامه عقد شده است که زمینه مدیریت نسبی آن مهیا گردیده و باید اولتر از همه در مورد مقدار آب، ظرفیت ها و سایر مشخصات آن مورد تحقیق و سروری همه جانبه تخنیکی و علمی قرار گیرد تا اقدامات بعدی در زمینه اساسی و علمی باشد.

همچنانیکه تذکر رفت در باره استفاده از آب های بین المللی به مقاصد غیر از کشتی رانی کنوانسیون وجود دارد که در سال ۱۹۹۷ عقد گردیده و یگانه سند مهم بین المللی شناخته می شود که به نام کنوانسیون نیویارک یاد می گردد و این کنوانسیون هژده سال بعد از عقد آن مرعی الاجراء گردیده و این به معنی آن است که در ابتدا کشور ها به تصویب آن چندان علاقه مندی نداشتند و اینک بعد از گذشت سال ها به اهمیت بین المللی آن پی برده اند. کنوانسیون یادشده یک سلسله پرنسیپ های کلی و عام را اعلام نموده که یکی از اصل های آن اینست که کشورهایی که در مسیر یک دریای بین المللی واقع اند باید از آب آن به طور معقول و منصفانه استفاده نمایند. استفاده از همچو دریاها باید طوری صورت گیرد که مزایای مطلوب و پایدار را برای همه ممالک ذیحق متضمن گردیده باشد.

ماده پنجم کنوانسیون متذکره مشعر است که همچنان تدابیر لازم اتخاذ گردد تا آسیب قابل توجهی به سایر کشورهای مسیر دریا، ایجاد نگردد؛ البته مشارکت در توسعه و حفاظت از منابع آب دریاها باید وجود داشته باشد، زیرا حفاظت از محیط زیست و منابع رودخانه ها در کنوانسیون درج می باشد. متأسفانه افغانستان به این کنوانسیون الحاق نه ورزیده و از جمله همسایه های کشور تنها ازبکستان این سند را تصویب و به آن متعهد گردیده است. در کنوانسیون متذکره درج گردیده که باید کشورهای ذینفع در دریا‌های بین المللی موافقت نامه های دو جانبه و چندین جانبه را مطابق روحیه این کنوانسیون جهت رفع معضلات خویش و همکاری متقابل عقد و امضاء نمایند. در واقعیت امر قابل اذعان است که تمام کشورهای منطقه به شمول افغانستان به آب ضرورت دارند و این ضرورت هم در سال های آینده بیشتر و بیشتر می گردد.

طوریکه قبلاً تذکر گردید، طبق پیشبینی های انستیتیوت منابع جهانی در سال ۲۰۴۰ م تمام کشورهای اطراف افغانستان به شمول خودش به کمبود آب دچار می گردد؛ چنانچه به اثر گرم شدن زمین میزان بارندگی به تناسب چند دهه گذشته بیست فیصد کاهش یافته است؛ در شهرهای بزرگ سطح آب های زیر زمینی به شدت پایین شده و احتمال می رود در آینده هنوز هم سطح چنین آب هایی پایتتر برود و آب منحصیث یک ماده کم یاب در منطقه عرض وجود کند.

پس برای تأمین صلح و ثبات و استفاده درست و مدیریت سالم از دریاها؛ لازم است که افغانستان به کنوانسیون ۱۹۹۷ نیویارک با در نظر گرفتن منافع ملی خود الحاق ورزیده و به طور جدی با همسایه ها جهت استفاده بهتر و بیشتر از دریا‌های مشترک و مدیریت سالم و مؤثر از آن ها داخل مذاکره و مفاهمه شده موافقت نامه های جداگانه را عقد و از تصامیم یک جانبه که در دراز مدت به ضرر همه می باشد، جداً اجتناب صورت گیرد؛ آب به حیث یک ماده کمیاب در نظر گرفته شده، جهت صرفه جویی، کنترول و استفاده مؤثر آن سعی و تلاش جدی و بیشتری صورت گیرد.